تصویر مرتب جزئیت در مثال بدن الانسان

آن چه که مقصود من است، این است: در صفحه سیصد و هفتاد و هفت؛ فرمودند چرا جزء مستحبی جزء نیست؟ «لامتناع... و الامتناع...»؛ دو امتناع میآورند. «لامتناع كونها أجزاء للماهية»؛ چرا؟ جزء ماهیت باشد، چه مشکلی دارد؟

«ضرورة صدق الماهية بدونها»؛ وقتی جزء مستحبی نیست، ماهیت صدق میکند. حال سراغ بدن بروید. آن جا من اول گفتم. **«بدن الانسان»** یک مفهوم روشنی است؛ طبیعیای است که افراد زیادی دارد. خب آیا دست، جزء بدن انسان هست یا نه؟ میگوییم نیست. چرا؟ «ضرورة صدق الماهية بدونها»؛ چون بدن الانسان، صادق است و حال اینکه دستش قطع شده. این را میپذیریم؟! همه میگوییم دست، جزء ماهیت بدن الانسان است. اما استدلال ایشان در آن میآید و میگوید جزء الماهیه نیست. چون اگر دست قطع شد، چون باز میبینید به آن بدن میگویند و ارتفاع صدق ندارد، لذا نباید جزء باشد.

شاگرد: **جزء ماهیت بدن انسان به چه معنا است؟**

استاد: یعنی بدن یک پیکره و کل است، که این یکی از آنهایی است که در این پیکره بهعنوان مؤلفه داخلی، دخالت میکند.

شاگرد: منظورتان که جزء تحلیلی نیست؟

استاد: بله، و لذا وقتی بدن گفتم همه جزءهای تحلیلی کنار میرود.

شاگرد: ظاهراً آقایان در جزء تحلیلی میگویند اگر جزء برود ماهیت هم میرود.

استاد: نه، رکوع، سجود و قنوت جزء تحلیلی است؟

شاگرد: چون ماهیت مخترعه میباشد، اگر بخواهد صورت نوعیه ای هم داشته باشد، آن هم اعتباری است و مشکلی ندارد که از اجزاء تشکیل شده باشد. یعنی تمثیل آقایان به اجزاء ماهیت است نه اجزاء مقداری.

> 27:27

شاگرد۲: اگر صورت نوعیه باشد که خیلی خوب است. در ده جزء نماز، صورت نوعیه میتواند باشد و در هشت جزئش هم میتواند باشد. مرحوم امام به این صورت جمع میکنند و میگویند درواقع صورت نوعیه صلات، مسمی است. ممکن است در ضمن ده جزء محقق شود یا ممکن است در ضمن نه جزء

محقق شود. جزئیت قنوت را هم به این صورت تصویر می‌کنند که باعث یک کمالی در این هیئت نوعیه می‌شود.

استاد: اگر طبق فرمایش(یکی از شاگردان) ایشان بگوییم مقصود آنها از ماهیت و اینکه جزء المائیه می‌گویند، این است که در ماهیت دخالت کند و جزء تحلیلی باشد؛ در جنس و فصل باشد؛ در جنس و فصل ماهیت به این صورت است که وقتی می‌روند، ماهیت هم می‌رود؛ والّا چه کسی می‌گوید قنوت، فصل است؟! اینها افعال هستند. ترکیب اصطناعی است. اجزاء با هم ترکیب اتحادی ندارند. در حیوان به همین خاطر بود که می‌گفتند وحدت حیوان، وحدت ابهامی است. چرا؟ برای اینکه بتواند با ناطق یکی شود و بعداً و آلا و عند التحلیل دو تا شود. در اینجا اگر بگوییم مقصود آقایانی که می‌گویند ریتفع بارتفاعها و ماهیت بدونها صدق می‌کند، من به بدن بر می‌گردم تا روشن شود.

بدن الانسان، یک هویت و صورت نوعیه دارد یا نه؟ که به همان معنای جنس و فصلی باشد که شما می‌فرمایید.

شاگرد: اگر نفس را کنار بگذاریم دیگر انسان مطرح نیست، جسم است. جسمی است که اجزاء مقداری دارد. اگر بخواهیم این جسم خاص را برای صورت نوعیه در نظر بگیریم، صورت نوعیه جسمیه دارد. دیگر انسانی ندارد.

استاد: یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم روح انسان، روح انسان کلی نیست؟! چطور شد شما بدن الانسان و روح را کلی کردید؟! چرا توانستید آن را کلی کنید؟! بدون جنس و فصل می‌توانید چیزی را کلی کنید یا نه؟ سؤال خوبی است. بدون اینکه اجزاء تحلیلی داشته باشیم و بدون اینکه ماهیتی تشکیل بدهیم یک چیزی را کلی کنیم. در موارد خارج محمول که ممکن است. اما در این مواردیکه مثل بدن است، چطور؟ به عبارت دیگر شما می‌توانید از بدن یک تعریف منطقی ارائه بدهید؟

شاگرد: از جسم یا بدن انسان؟

استاد: بدن انسان.

شاگرد: بدن انسان، از جسمی که نفس به آن تعلق گرفته تشکیل شده.

استاد: بسیار خب، تقیدٌ جزءٌ و القید خارج. روح را خارج فرض می‌گیریم و تقید به روح را داخل می‌دانیم. پس می‌شود. خب دست جزء این ماهیت هست یا نه؟

شاگرد: «النفس فی وحدتها کل القوی» پیش می‌آید و اصلاً چون نفس در این قوای جسمانی می‌آید، اصلاً جسم انسان می‌شود. باز در آن ماهیت انسانی صدق می‌کند.

استاد: بسیار خب. حال وقتی دست رفت، همان «کل القوی» در اینجا می‌آید یا نمی‌آید؟

شاگرد: بحث عرفی نیست. بحث فلسفی است.

استاد: یعنی در اینجا فلاسفه قبول ندارند؟

شاگرد: قبول دارند.

استاد: پس چطور با این‌که دست جزء بود اما وقتی رفت باز ماهیت هست؟! من این را عرض می‌کنم ات ببینی جزئیت واقعاً نوعی دارد. به صرف این نیست که ما با یک کلمه بگوییم «المتانع... ضرورة صدق المامیه بدونها». به صرف این استدلال که می‌گوییم هر کجا ماهیت بدون آن صدق کند، پس جزء نیست، تمام نیست. این کبری برای یک جایی است. ضرورتش هم درست است. ضرورتش یک قیدی دارد که آن قید ملاحظه نمی‌شود و در سائر موارد هم آن را می‌آورند. وقتی گفتیم می‌تواند چیزی بورد اما ماهیت نرود ولی درعین‌حال واقعاً بالدقة الواقعیة و الفلسفیة جزء باشد. در مثال محاسن که روشن‌تر بود.

نگاه خود فلاسفه وقتی می‌گویند بدن الانسان، محاسن انسان را از ماهیت بدن الانسان خارج می‌گیرند؟ یا از ماهیت بدن الرجل خارج می‌گیرند؟ بدن الرجل هم کلی است. می‌توان برای آن تعریف ارائه داد.

شاگرد۲: ماهیت کامله همین است که باید محاسن باشد اما وقتی محاسن نباشد ماهیت ناقصه است و عنوان جدیدی پیدا می‌کند. اما مامیة بما هی مامیة با محاسن است.

استاد: خب وقتی محاسن رفت، ماهیت رفت یا ناقص شد؟

شاگرد: عنوان جدید پیدا می‌کند.

استاد: عنوان جدید یعنی چه؟ رفت یا نرفت؟

شاگرد: عنوان جدیدی دارد، یعنی ماهیت ناقصه است.

استاد: یعنی بدنی که محاسن ندارد اصلاً بدن نیست؟

شاگرد: هست ولی عنوان جدید پیدا کرد. مامیة بما هی مامیة نیست چون ماهیة، بدنی است که محاسن هم در آن باشد.

استاد: مثلاً بچه‌ی پسری که بعداً محاسن در می‌آورد، الآن ده سالش است، بدن او بدن نیست؟ شما می‌گویی نه، بدن باید ریش داشته باشد. این بچه ده ساله هم ریش ندارد پس ناقص است، خب شما به بچه بدون ریش، ناقص می‌گویی یا نه؟

شاگرد: ناقص نیست. بالقوه محاسن دارد. اما در اینجا دست قطع شده و از بین رفته.

استاد: خب دست قطع شده را برمی‌دارند و با فاصله هشت ساعت آن را به بیمارستان می‌برند و پیوند می‌زنند. این فاصله چطور؟

شاگرد: ناقص است.

استاد: ناقص است یعنی ماهیت رفت یا نرفت؟

شاگرد: ماهیت نرفته اما عنوان ناقصه دارد.

استاد: پس استدلال سر نرسید. آنها می‌گویند وقتی آن رفت، ماهیت رفته. اما شما می‌گویی ماهیت ناقص شده. خب بشود. ما که در نقص آن هیچ مشکلی نداریم. اتفاقا تمام عرض من هم همین است. من می‌خواهم بگویم خود ماهیت طولی و عرضی، عرض عریض دارد. یعنی هر ماهیتی شئوناتی دارد که این شئونات می‌تواند در طول هم باشد که کمالاتی به‌صورت لبس بعد لبس برای ماهیت بیاورد. و هر ماهیتی شئوناتی دارد علی البدل و در عرض هم، که می‌تواند اگر این نشد، دیگری جای

آن باشد. این مشکلی ندارد. آن تعریفی که در منطق ارائه دادیم و لوازمی داشته، در یک فضای بوده که آثار خودش را داشته. از آن جا به محیط‌های دیگر آمده و آثار را هم با خودش آورده. و حال این‌که وقتی آن بحث‌ها در این فضا بیاید، اصلاً آن آثار در اینجا نمی‌آید. در اینجا باید نگاه خودش به خودش شود. شبیه همان بحثی است که می‌گویند تکوینیات را در اعتباریات نیاوری. این حاصل عرض من است.

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 12:42:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 12:44:57 توسط ... .